

اقتصاد تعاونی در اسلام

۱۰۵ غلامرضا سرآبادانی*

چکیده

اقتصاد تعاونی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، جایگاه رفیعی دارد و به لحاظ تأثیر بالای آن در تحقق عدالت اجتماعی و تسریع روند رشد، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. فعالیت اقتصادی تعاونی‌ها از نظر فقهی در حدی که در این مقاله بررسی شده است، بی‌اشکال به نظر می‌رسد. برنامه‌ریزی دقیق‌تر و جدی‌تر در امر تعاون می‌تواند بخش تعاون را در حدی که مورد نظر قانون اساسی است و در جهان امروز نیز از آن بهره‌برداری می‌شود، از نظر کمی و کیفی گسترش و توسعه دهد.

واژگان کلیدی: تعاون، شرکت تعاونی، شرکت تجاری، نهضت تعاون، اقتصاد تعاون.

پیشینه

انقلاب صنعتی در اواخر قرن هیجدهم با همه آثار مثبتی که داشت، روابط اجتماعی و انسانی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. میان غوغای انقلاب صنعتی فریاد محرومان و فقیران به جایی نرسید و سخن مردان حق‌جو و اصلاح‌طلب بی‌اثر شد. و حس ترحم خواهی از بین رفت. خودخواهی و خود پرستی بر همه چیز سایه افکند. افزون بر تحولات ایجاد شده در روابط اجتماعی، آثار زیانبار اقتصادی از جمله تمرکز ثروت و امکانات تولید در دست عده‌ای اندک، گسترش بیکاری، تجمل‌گرایی و غیره را به دنبال

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

داشت. از طرف دیگر لیبرالیسم اقتصادی که دستاورد اصلی انقلاب فرانسه بود، حدود یک قرن و نیم بلا منازع بر روابط اقتصادی کشورهای اروپایی حاکم شد و این شیوه برخورد، به ویژه موضوع عدم دخالت دولت در امور اقتصادی، جدایی کار و سرمایه، حاکمیت سرمایه بر روابط اقتصادی و اجتماعی، فقدان نظام تأمین اجتماعی و اوضاع ناگواری که در اثر انقلاب صنعتی برای کارگران و تولیدکنندگان سنتی پدید آمده بود، مشکلات فراوانی را ایجاد کرد. عکس‌العمل جامعه در برابر دستاوردهای انقلاب صنعتی و لیبرالیسم اقتصادی، در عرصه‌های سیاسی - اقتصادی در قالب اقدام‌های گاه خستون‌بار گروه‌های کارگری و همچنین ارائه نظریه‌های اصلاحی و بنیادی صاحب‌نظران ظهور کرد.

تلاش صاحب‌نظران بر این امر استوار بود که با روش‌های ابداعی فاصله بین تولید و مصرف و همین‌طور فاصله بین کار و سرمایه که ریشه تمام مصیبت‌ها تصور می‌شد، برداشته شود. همزمان نخستین طرح‌های عملی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی پی‌ریزی شد. اگر چه برخی از صاحب‌نظران در موضوع تعاون، افزون بر نظریه‌پردازی به جنبه‌های عملی آن و تشکیل مؤسسات و شرکت‌های تعاونی نیز اقدام کردند، توفیق چندانی حاصل نشد؛ اما نخستین تعاونی مصرف که در عمل موفق بود و از یک سری مقررات مخصوص پیروی می‌کرد و الگوی عملی و تجربی تشکیل تعاونی در کشورهای گوناگون قرار گرفت، «تعاونی مصرف پیشگامان منصف راجدایل» بود (طالب، ۱۳۷۶: ص ۲۴).

این تعاونی در ۲۱ دسامبر ۱۸۴۴ در راجدایل، محلی نزدیکی شهر منچستر انگلستان دایر شد و از آن تاریخ تا کنون، تعاونی‌های بسیاری در جهان تأسیس شده و ۸۰۰ میلیون عضو دارد. به لحاظ نظری نیز نخستین گروهی که در این خصوص به نظریه پردازی پرداختند، افرادی بودند که مارکسیست‌ها آن‌ها را سوسیالیست تخیلی نامیدند. یکی از آنان رابرت آون (R. Owen) است که او را مؤسس سوسیالیسم نو نامیده‌اند. افراد دیگری چون سن سیمون (saint simon) (۱۸۲۵-۱۷۶۰)، فیلیپ بوشه (P. Bouchez) (۱۷۹۶-۱۸۶۱)، شارل فوریه (charles fourier) (۱۷۷۲-۱۸۳۷)، پرودون (Proudon) (۱۸۰۹-۱۸۶۵)، لویی بلان (Louis Blanc) (۱۸۱۸-۱۸۸۲) و... این نظریات را دنبال کردند. در همین سال‌ها، مارکس نیز متمایل به تعاونی می‌شود. او که بنابر اصل و به سبب تعارض

فلسفه مارکسیسم با نهضت تعاون، با نهضت تعاون مخالف بود، مدتی بعد، تحت تأثیر عقاید تعاونی «لاسال» (Ferdinand lasale) تغییر عقیده داده و تشکیل تعاونی‌های تولید و بانک‌های تعاونی کشاورزی را توصیه کرد. گرایش مارکس به تعاون به صورت عینی از نطق او در اجلاس‌های بین‌المللی سوسیالیست‌ها در سال ۱۸۶۴ در لندن آغاز شد. او در اجلاس‌های بعدی انترناسیونال سوسیالیست‌ها در ژنو در سال ۱۸۶۶، تعاونی را روش پیش‌برنده تحول جامعه دانسته است. بعد از او لنین نیز همین راه را دنبال کرد. لنین و استالین و... تعاونی‌ها را جنبه دهقانی و روستایی دادند و در ماهیت آن نیز تغییراتی عمیق ایجاد کردند. تعاونی‌های روستایی اصول تعاونی‌های تولید را رعایت نکرده، قواعد مخصوصی داشتند. نهضت تعاون را در ادامه افرادی چون شارل ژید (Charles

Gide) و ژرژ فوکه (George Fouget) هدایت کردند. فوکه با نظر شارل ژید که به «نظام تعاون» و اصل تعاونی نام (La Cooperation Integrale) اعتقاد داشت، مخالف بود. او می‌گفت که نه تعاونی مصرف به تنهایی و نه مجموع تعاونی‌های گوناگون توانایی سلطه بر تمام اقتصاد را ندارند. آن‌ها فقط می‌توانند بخشی از اقتصاد را در برگیرند (طالب، ۱۳۷۶: ص ۲۹-۸۲). بعد از فوکه، لاوکز نیز همین عقیده را داشت. او برقراری نظام اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند که آمیزه‌ای از منافع مصرف‌کنندگان و صاحبان اموال است. در مجموع، سه مکتب فکری در نظریات تعاون به چشم می‌خورد:

۱. مکتب تعاونی سوسیالیستی: این مکتب را سوسیالیست‌ها طرح کردند و در حالی که هدف غایی آن‌ها سوسیالیسم بود، توسعه تعاونی‌ها را به صورت وسیله‌ای برای انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم مطرح می‌کردند.

۲. مکتب تعاونی مشترک المنافع: این مکتب یک نظام تعاونی را در زمینه مصرف‌کننده تمام اقتصاد را در برگیرد و جانشین نظام سرمایه‌داری شود، مطرح می‌کردند. این مکتب را افرادی چون شارل ژید در فرانسه و تی دبلیو. مرسر در انگلستان رهبری و هدایت می‌کردند. این مکتب به نام «مکتب نیم» که نام یکی از شهرهای جنوبی فرانسه و زادگاه شارل ژید است نامیده شده (کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۲-۱۷).

۳. مکتب ضابطه رقابتی: این مکتب را افرادی چون ژرژ فوکه و لاوکز مطرح کردند. آن‌ها معتقد بودند که تعاونی‌ها فقط وسیله‌ای برای جلوگیری از مفاسد نظام سرمایه‌داری تلقی می‌شوند. آن‌ها می‌گویند: موانع بسیاری از جمله دولت نمی‌گذارند تعاونی‌های مصرف، جایگزین کامل سرمایه‌داری شوند (قنبری، ابراهیم‌زاده، قاسمی، ۱۳۷۹: ص ۲۲ و ۲۳). کاسلمان نیز پایبند به همین

مکتب بوده است (کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

گسترش تعاونی‌ها در جهان

امروزه تقریباً غالب کشورهای جهان با موضوع تعاون مرتبط بوده، در پی گسترش و تقویت این بخش اقتصادی هستند. دبیرکل اتحادیه بین‌المللی تعاون (روبرتو رودریگز) در این باره می‌گوید:

«ICA یک سازمان ۱۰۴ ساله و انجمنی است از تعاونی‌های افزون بر ۱۰۲ کشور از سراسر جهان که اعضای آن‌ها بالغ بر ۷۰۰ میلیون نفر می‌شود (تعاون ۱۳۷۹: ش ۱۰۶ ص ۱۹).

بین کشورهای گوناگون جهان، برخی از کشورهای پیشرفته، فعالیت نسبی بیش‌تری در امر تعاون داشته‌اند که در جدول ذیل اطلاعاتی در مورد برخی از آن‌ها ذکر شده است.

جدول (۱): کشورهای موفق در امر تعاونی*

۱۰۸

اقتصاد اسلام

سال چهارم / تابستان ۱۳۸۳

کشورها	نوع فعالیت تعاونی‌ها	اعضا	اتفاقات خاص
۱. بلژیک	تعاونی‌های مصرف	کارگران صنعتی	-
۲. هلند	تعاونی‌های کشاورزی و محصولات دامی	طبقات متوسط	-
۳. اسپانیا	تعاونی‌های ماهی‌گیری	-	وقوع جنگ‌های داخلی در ۱۹۳۰ به بعد و حکومت فاشیست‌ها مانع ترقی تعاونی‌ها شد.
۴. اتریش	تعاونی‌های مصرف و خانه‌سازی	-	-
۵. سوئیس	- تعاونی کشاورزی - تعاونی‌های مصرف	-	دوری از جنگ
۶. ایتالیا	تعاونی‌های تولیدی کارگران تعاونی‌های زمین کشاورزی	کارگران متخصص، صنعتی ماهر و کسبه متخصص و کشاورزان	حکومت فاشیست‌ها و مداخله‌های زیاد دولت و همچنین جنگ دوم مانع پیشرفت تعاونی‌ها شد.

* مواردی که علامت (-) دارد، نشان آن است که در آن مورد اطلاعاتی نداشته‌ایم.

	-	<p>۱. تعاونی‌های لبنیاتی ۲. تعاونی بازاریابی غله. ۳. تعاونی‌های اعتبار محلی و منطقه‌ای کشاورزی. ۴. تعاونی‌های کارگران متخصص ۵. تعاونی‌های مصرف با اتحادیه‌های محلی، منطقه‌ای و مرکزی.</p>	۷. فرانسه
<p>یک هفتم جمعیت حدود هفت میلیونی سوئد را شامل است.</p>	-	<p>تعاونی مصرف فور بوندت که باعث شکسته شدن انحصار و کاهش قیمت شد.</p>	۸. سوئد
<p>رکن اساسی نهضت تعاون</p>	<p>با ۱۲ میلیون عضو با ۷۵۰۰۰ شاغل</p>	<p>۱. تعاونی مصرف ۲. تعاونی اسکاتلند و انگلیس</p>	۹. انگلیس
<p>- نخستین اتحادیه تعاونی اعتبار در امریکای شمالی. - نهضت تعاونی آنتی گونیش که در دنیا بی‌همتا است، در این کشور بوده است.</p>	-	<p>۱. تعاونی مصرف ۲. تعاونی کشاورزی ۳. تعاونی اعتبار</p>	۱۰. کانادا
<p>- کاکاوا بنام‌ترین رهبر تعاونی، ژاپن</p>	-	<p>تعاونی‌های بهداشتی و معالجات بالینی</p>	۱۱. ژاپن
<p>- ۴۳۵۳ تعاونی در برزیل - ۴۷۶۶ تعاونی در مکزیک - ۳۰۴۸ تعاونی در آرژانتین</p>	-	<p>۱. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۳ اعضای تعاونی‌ها دو برابر شده و به بیش از ۵ میلیون نفر رسیده‌اند. ۲. ۹۰ درصد تعاونی‌های امریکای لاتین در کشورهای برزیل، مکزیک و آرژانتین فعال هستند.</p>	۱۲. امریکای لاتین

(مأخذ: قنبری، ابراهیم‌زاده، قاسمی، ۱۳۷۹: ص ۷-۹؛ کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۰).

آمارها نشان می‌دهند که تعداد اعضای تعاونی‌ها در دهه‌های اخیر رشد قابل توجهی در جهان داشته است. بر اساس این آمارها در طول حدود سه دهه، جمعیت عضو تعاونی‌ها در کل جهان

تقریباً چهار برابر شده است؛ یعنی از ۲۲۴ میلیون عضو در سال ۱۹۶۸ به ۸۰۰ میلیون عضو در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته، و این امر بیانگر استقبال گسترده و رو به افزایش مردم از تعاونی‌ها است (مجله تعاون، اسفند ماه ۱۳۸۲).

اقتصاد تعاونی راه سوم

گذشت که اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ به دنبال گسترش آثار سوء نظام سرمایه داری لیبرال، عکس‌العمل‌های گسترده‌ای در کشورهای سرمایه‌داری و کشورهایی که خاستگاه سوسیالیزم شدند، به دو صورت حرکت‌های خشونت بار و ارائه نظریه‌های گوناگون در خصوص حل مشکلات ایجاد شده، به وقوع پیوست. از جمله نظریه‌های ارائه شده، نظریه‌های تعاون بود. این عکس‌العمل‌ها انگیزه‌ای مشترک یعنی میل به رهایی از چنگال بی‌عدالتی که برگرفته از عملکرد مجموعه سرمایه‌داری بود، داشتند؛ به همین جهت، اکثریت کسانی که برای حل مشکل پیشین مبارزه یا نظریه‌پردازی کردند، خواستار برچیده شدن کامل سرمایه‌داری بودند. سوسیالیست‌ها می‌خواستند نظام سوسیالیزم را جایگزین کنند؛ بدین جهت اگر تعاونی را به صورت روش مبارزه برگزیدند، وسیله‌ای برای انتقال و گذر از نظام سرمایه داری به نظام سوسیالیستی بود. عده‌ای نیز به جایگزینی کامل نظام تعاونی به جای نظام سرمایه‌داری معتقد بودند؛ عده‌ای هم راه وسط را برگزیدند؛ می‌گفتند: سرمایه‌داری بماند؛ و معایب آن از طریق تعاونی‌ها اصلاح شود. بر این اساس، سه مکتب عمده در نظریات مربوط به تعاونی پدید آمد؛ اما این که می‌توان نظام تعاونی را نظام اقتصادی مستقل در قبال نظام سرمایه‌داری لیبرالی و نظام سوسیالیستی قلمداد کرد یا نه، به بحث دقیق‌تری نیاز دارد.

در باره نظام اقتصادی و عناصر تشکیل دهنده آن، دو نظریه وجود دارد: در نظریه اول، زومبارد معتقد است که نظام اقتصادی متشکل از سه عنصر «روح»، «شکل» و «محتوا» است. روح، یعنی انگیزه افراد برای انجام فعالیت خاص اقتصادی و شکل یعنی مجموعه قوانین حقوقی، اجتماعی یا نهادی است که روند فعالیت‌ها در آن شکل می‌گیرد. و «محتوا» یعنی مجموعه تکنیک‌ها، روش‌ها و تکنولوژی است که در روند تولید استفاده می‌شود و در دوره‌های گوناگون، به صورت‌های مختلف است (سیحانی، ش ۵۴).

در نظریه دوم، گراس من، به گونه‌ای دیگر نظام اقتصادی را تبیین می‌کند. مطابق نظر او پاره‌ای نهادها هستند که اساس نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهند. وی، نهادها را این‌گونه معرفی می‌کند: ۱

نهاد دولت؛ ۲. نهاد مالکیت؛ ۳. نهاد انگیزه؛ ۴. نهاد حاکمیت اقتصادی؛ ۵. نهاد نحوه هماهنگی بین فعالیت‌ها مختلف و اجزای نظام (همان).

اکنون با استفاده از روش گراس من به ارزیابی اقتصاد تعاون پرداخته، آن را با دو نظام دیگر (سرمایه داری و سوسیالیستی) در جدول زیر مقایسه می‌کنیم.*

جدول (۲): مقایسه دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی با نهضت تعاون

نهادهای نظام‌ها	نهاد دولت	نهاد مالکیت	نهاد انگیزه	نهاد حاکمیت اقتصادی	نهاد نحوه هماهنگی اجزا
نظام تعاون	دولت باید مددکار تعاونی باشد؛ دخالت دولت در حدود مدد رسانی و کمک به تعاونی‌ها پذیرفته است.	مالکیت در تعاونی شکل خاصی است نه خصوصی و نه عمومی؛ بلکه به نحو مشاع و مالکیت گروهی است.	فعالیت تعاونی به انگیزه رفع نیازهای مشترک، گسترش روحیه تعاون و خدمت‌رسانی به عموم، صورت می‌گیرد.	در نهضت تعاون حاکمیت از آن مصرف‌کنندگان است آن‌ها تعیین‌کننده نوع کالای تولیدی هستند.	نهاد هماهنگ کننده ساز و کار بازار است که مصرف‌کننده‌ها و تولیدکننده‌ها را هماهنگ می‌کند.
نظام سرمایه‌داری	دولت هیچ نقشی در اقتصاد ندارد مگر در موارد شکست بازار، مواردی که کاری از دست بخش خصوصی ساخته نیست.	مالکیت به شکل خصوصی است؛ یعنی تقریباً همه ابزارهای تولید مگر در موارد اندک در مالکیت بخش خصوصی است.	انگیزه افراد در انجام فعالیت‌های اقتصادی جلب منفعت شخصی است.	در این نظام حاکمیت مطلق از آن تولیدکننده است؛ یعنی سرمایه‌داران بزرگ یا تبلیغات خود، مصرف‌کنندگان را به سوی خود می‌کشند.	ارتباط دهنده و هماهنگ کننده در نظام سرمایه‌داری ساز و کار بازار است.
نظام سوسیالیستی	حیطه دخالت دولت بسیار گسترده است.	مالکیت ثروت‌ها و ابزارها و امکانات تولید همه در دست دولت است و دولت در بخش تولید سلطه کامل دارد.	در این نظام هدف و انگیزه، کسب سود نیست؛ بلکه هدف خدمت‌رسانی است.	در این نظام تقریباً تصمیم‌گیرنده دولت است که تولیدکننده بزرگ است.	در این نظام عامل هماهنگی نیز عوامل دولتی هستند.

مأخذ: سبحانی، تعاون، ش ۵۴ و کاسلمان، نهضت تعاونی و پاره‌ای از مسائل آن.

* کاسلمان (Casselmann) در کتاب نهضت تعاونی و پاره‌ای از مسائل آن، مقایسه‌ای بین نهضت تعاون و نظام سوسیالیستی و در جهت حمایت از نظام سرمایه‌داری انجام داده است.

بنابراین در خصوص نهاد دولت و نقش آن در اقتصاد، نهضت تعاون دارای دیدگاه مختص به خود و متمایز از دو نظام دیگر است و در مورد نهاد مالکیت نیز به نظر می‌رسد که نهضت تعاون، دارای روش مخصوص، یعنی مالکیت مشاع است. کاسلمان در مورد نهاد مالکیت می‌گوید:

در تمام صور سوسیالیسم، مالکیت خصوصی تا حدودی محکوم شده است و تمام سوسیالیست‌ها موافق از میان رفتن مالکیت خصوصی در مؤسساتی مثل بانک‌ها، بیمه‌ها، معادن ذغال سنگ و... می‌باشند. [در حالی که] نهضت تعاون مالکیت خصوصی را مبنای کار خود قرار داده است و آن را لازم و پسندیده می‌داند. نهضت تعاون معتقد است که عیب جامعه این است که عده زیادی از جامعه، مالکیت شخصی ندارند و تلاش می‌کند که افراد بیش‌تری مالکیت خصوصی به دست آورند. تعاون مزایایی را که از سود خصوصی در رشته‌های بازرگانی و بانکداری به دست می‌آید، از بین برده و مالکیت خصوصی را باز می‌گرداند. تمرکز ثروت وجود دارد؛ اما مالکیت توزیع می‌شود... نهضت تعاون از میان برداشتن انحصارات و تحقق توزیع عادلانه‌تر ثروت را وجهه همّت خود قرار داده است (کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۱۹).

البته ما در این مجال در صدد نقد سخنان آقای کاسلمان نیستیم؛ ولی این که او مالکیت را در نهضت تعاون و تعاونی‌ها عین همان مالکیت خصوصی در نظام سرمایه‌داری و بخش خصوصی دانسته و تعاون را گسترش دهنده مالکیت خصوصی معرفی می‌کند، به نظر خالی از اشکال نیست. شاید او در صدد بیان عدم تباین بین نظام تعاون و نظام سرمایه‌داری بوده و چنین توجیهی را در مورد مالکیت در نهضت تعاون ارائه کرده است؛ بنابراین، نظریه صحیح آن است که تعاون و تعاونی‌های بسیاری با بخش خصوصی و مالکیت خصوصی دارد؛ ولی نهضت تعاون هرگز در صدد نفی کامل بخش خصوصی نیست؛ بلکه در نظام تعاونی وجهه غالب در فعالیت‌های اقتصادی (تولید و توزیع) با تعاون بوده و بخش خصوصی در اقلیت است؛ زیرا تعاونی شدن کلیه فعالیت‌ها امری عقلایی و معقول هم نیست؛ چرا که به هر حال، عده‌ای از افراد از مشارکت گریزانند و آن را نمی‌پسندند.

آقای کاسلمان درباره آزادی فردی و نقش سرمایه نیز نهضت تعاون را متمایز از نظام سوسیالیستی دانسته، می‌گوید:

نهضت تعاون در اصول خود برای آزادی فردی مقام رفیعی قائل است (کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۲۲).
او همچنین اضافه می‌کند که:

نهضت تعاون اصل شایستگی دریافت پاداش را برای سرمایه قبول دارد؛ ولی انگیزه سودجویی که نماینده سود بی‌حد برای سرمایه است را رد می‌کند... (کاسلمان، ۱۳۴۸: ص ۱۲۵).

با توجه به نتیجه این بحث می‌توان ادعا کرد که ایجاد نظام تعاونی به صورت راه سوم قابل حصول است؛ زیرا تمام مشخصه‌های نظام اقتصادی را دارا است.

تعاون در ایران

۱. جایگاه بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه رفیع و ارزشمندی دارد. قانونگذار، بخش تعاون را یکی از روش‌های مهم رسیدن به مرحله رشد اقتصادی قرار داده و راه رسیدن به اشتغال کامل و توزیع عادلانه امکانات و وسایل کار و تولید را گسترش بخش تعاونی معرفی کرده است.

قانونگذار در فصل چهارم و در بخش اقتصاد و امور مالی، دو هدف اصلی و یک هدف فرعی یا متوسط برای نظام جمهوری اسلامی تعریف کرده است. این سه هدف عبارتند از:

۱. عدالت اقتصادی یعنی محرومیت زدایی، فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه.

۲. استقلال اقتصادی که هم از اهداف اصلی است و هم زمینه‌ساز تحقق عدالت اقتصادی است.
۳. رشد اقتصادی و رفع نیازهای مادی انسان‌ها است. این هدف فرعی است بدان معنا که رشد اقتصاد بدون تحقق عدالت و استقلال همه جانبه کشور مورد تأیید اسلام نیست.

اصل چهل و سوم قانون اساسی می‌گوید:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود... (قانون اساسی، ج. ۱، ا، ۴۵).

این‌که موارد پیشین به صورت هدف نظام اقتصادی ذکر شده، بیانگر دو چهره منفی تحقق یافته اقتصاد جهانی یعنی آثار منفی نظام اقتصادی سرمایه داری و نظام اقتصادی سوسیالیستی است که در ذهن قانونگذار بوده. دو دغدغه عمده در ذهن قانونگذار سبب شده که به صراحت این اهداف را که بر گرفته از آموزه‌های دینی در اقتصاد است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بگنجانند. آن دو دغدغه عبارت بودند از:

۱. نتایج سال‌ها فعالیت اقتصاد سرمایه‌داری در بخش عمده‌ای از جهان، گسترش فقر، بی‌عدالتی، تمرکز ثروت در چنگال عده‌ای اندک، از بین رفتن معنویت و اخلاق انسانی و کرامت و شخصیت انسانی انسان و خلاصه، حاکمیت سرمایه بر جامعه بوده است.

۲. حاکمیت نظام اقتصادی سوسیالیستی در بخش دیگری از جهان نیز آثار منفی چون تبدیل شدن دولت به انحصارگر مطلق و زیر پا گذاشتن همه کمالات و غرایز انسانی که نتایجی به مراتب بدتر از نتایج اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال است را داشته است.

قانونگذار در پرتو دستورهای دین اسلام و برای جلوگیری از تحقق نتایج غیر انسانی پیش‌گفته در ایران اسلامی، اهداف مذکور را برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به صراحت اعلام و راه‌هایی را برای تحقق آن پیش‌بینی و ارائه کرده است. یکی از راه‌های عمده‌ای که قانون مطرح کرده، گسترش تعاون و تشکیل تعاونی‌ها است. بدین منظور در بند (۲) اصل چهل و سوم گفته است که یکی از راه‌های رسیدن به این اهداف این است:

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد.... (همان)؛

بنابر این، از دیدگاه قانونگذار، اهمیت تعاون در اقتصاد جمهوری اسلامی از این جهت بوده که عامل و ابزاری برای رسیدن به رشد پایدار، همراه با حفظ کرامت و منزلت انسانی افراد و همچنین تحقق عدالت اقتصادی تلقی شده است.

این ویژگی باعث شد که قانونگذار در اصل چهل و چهارم همین قانون تعاون را به صورت بخش مستقل اقتصادی در کنار دو بخش دیگر (بخش خصوصی و بخش عمومی) پذیرفته و بدان اجازه فعالیت بدهد. در این اصل آمده است:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. (همان: ۴۶).

در توضیح و تبیین بخش تعاون می‌گوید:

بخش تعاون شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود (همان).

وقتی قانون مجموعه فعالیت‌های اقتصادی را به سه بخش «دولتی»، «خصوصی» و «تعاونی»

تقسیم کرده، بیانگر نکاتی است:

۱. قانونگذار از دیدگاه نظری، به حاکمیت کامل بخش تعاون معتقد نبوده است؛ اگر چه به سبب دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که درباره بزرگ شدن دولت و گسترش بخش خصوصی داشته محدوده فعالیت بخش تعاون را گسترش داده و بخش خصوصی را مکمل دو بخش دیگر معرفی کرده است.

۲. از اصل پیشین استفاده می‌شود که به لحاظ اهمیت بخش تعاون، باید در موازات رشد و گسترش دو بخش دیگر، این بخش نیز توسعه یابد. وظیفه برنامه‌ریزان اقتصادی است که در برنامه‌ریزی خود و توزیع امکانات و بودجه ملی، هر سه بخش را در حد نیاز و در حد جایگاه هر یک در اقتصاد جمهوری اسلامی، مورد توجه قرار دهند؛ در حالی که این امر تاکنون اتفاق نیفتاده است و به رغم تشکیل وزارتخانه‌ای مستقل برای تصدی امر تعاون، تصمیم جدی بر گسترش تعاون گرفته نشده است (سبحانی، ش ۵۴)، و بر عکس، تصور غالب در ذهن تصمیم‌گیران اقتصادی این است که باید به سرعت به سوی گسترش بخش خصوصی (سرمایه‌داری) و کاهش تصدی دولتی پیش رفت؛ بنابراین، دیگر جایی برای پرداختن به بخش تعاون باقی نمی‌ماند و نمانده است (همان).

۳. همچنین در اصل مذکور در بیان محدوده بخش تعاون، به شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی اجازه داده شده که در بخش‌های گوناگون تولیدی و توزیعی فعال باشند. شاید بتوان از عمومیت این اصل، جواز فعالیت تعاونی‌ها را در قسمت‌هایی چون بازاریابی، حمل و نقل، انبارداری و... استنباط کرد.

۲. مختصری از عملکرد بخش تعاون در اقتصاد ایران

بر اساس آخرین گزارش‌های منتشر شده به وسیله وزارت تعاون، در سال ۱۳۵۱ تعداد شرکت‌های تعاونی ثبت شده ۹۹۶۱ مورد بوده است. در سال ۱۳۵۶ بسیاری از شرکت‌های تعاونی در یک‌دیگر ادغام شدند و در نتیجه تعداد کل شرکت‌های تعاونی به ۵۹۵۴ مورد کاهش یافت. بیش‌ترین رشد تعاونی‌ها در دهه هفتاد صورت گرفت. در سال ۱۳۷۰ تعداد تعاونی‌های تحت پوشش وزارت تعاون به ۲۷۰۹۹ و در سال ۱۳۷۷ به ۶۶۹۴۸ مورد افزایش یافت. این رشد سریع پس از انقلاب، ناشی از حمایت‌های قانونی و مالی دولت و اعطای سهمیه‌ها به آن‌ها و در اولویت قرار دادن آن‌ها در سیاست‌های توزیعی دولت بوده است (بیدآبادی، ش ۸۷).

تعداد اعضای تعاونی‌ها نیز طی این دوره به حدود ۱۵ میلیون نفر رسیده است. این رقم شامل اعضای تعاونی‌های تحت پوشش وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی تا پایان سال ۱۳۷۵ نیز می‌شود. همین‌طور تعداد کل تعاونی‌ها حدود ۵۰ هزار شرکت، و سرمایه کل موجود در این شرکت‌ها، مجموعاً ۲۳۰۰ میلیارد ریال برآورده شده است (بیدآبادی، ش ۸۷).

به‌طور متوسط در دوره پنجساله نخست فعالیت وزارت تعاون، هر واحد تعاونی با ۵۵ نفر عضو، ۶۲/۴ میلیون ریال سرمایه و ۲۴ نفر اشتغال‌زایی، عملکرد رو به پیشرفتی را برای نهضت تعاون در ایران نشان می‌دهد.

بر اساس آمار منتشره از سوی وزارت تعاون در پایان سال ۱۳۷۸، تعداد تعاونی‌های تحت پوشش آن به ۴۷۰۸۱ واحد با بیش از ۹/۴ میلیون نفر عضو و سرمایه ۲۵۳۱/۹ میلیارد ریال و اشتغال ۱/۴۸ میلیون نفر رسیده است.

سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی حدود ۵ درصد است؛ اما به سبب بهره‌وری خوب نیروی انسانی و سرمایه یعنی تقریباً ۲/۵ برابر بهره‌وری سرمایه در اقتصاد ملی در این بخش، این بخش به خوبی قادر است از امکانات خود در مقایسه با بخش‌های دیگر بهتر بهره‌برداری کند (بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۵۷)؛ به همین دلیل، به‌رغم سهم ناچیز بخش تعاون در تولید ناخالص ملی (۵ درصد) این بخش ۲۰ درصد صادرات غیر نفتی کشور، به ارزش سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون دلار را تأمین می‌کند. این در حالی است که سایر بخش‌ها که ۹۵ درصد ارزش تولید ناخالص ملی را تأمین می‌کنند، فقط قادرند به ارزش ۲/۴ تا ۲/۵ میلیارد دلار محصولات غیر نفتی صادر کنند* به هر حال، اطلاعات پیشین، بیانگر استعداد و توانایی بالقوه تعاونی برای اصلاح اقتصاد کشور است.

تعاون در نظریه اقتصاد اسلامی

در این قسمت، ابتدا به بررسی مبانی اخلاقی، فکری و فرهنگی و جنبه‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و حقوقی تعاونی پرداخته؛ سپس در ادامه، برخی جنبه‌های فقهی تعاونی را مطالعه خواهیم کرد.

* آمار و اطلاعات فوق مربوطه به سالهای اولیه فعالیت وزارت تعاون (تا پایان سال ۱۳۷۸) بوده و اطلاعات جدید منتشر نشده است.

أ. مبانی اخلاقی و فرهنگی تعاونی

یکی از ابزارهای بسیار مهم گسترش تعاونی‌ها در جامعه، کار فرهنگی است؛ یعنی ابتدا باید بینش و تفکر مردم را درباره این موضوع آماده کرد تا به آسانی مورد پذیرش قرار گیرد. اگر زمینه‌های فکری و مبانی اخلاقی تعاونی در جامعه گسترش و منش مردم، ویژگی تعاون‌گرایی یابد، در آن صورت، تأسیس و گسترش تعاونی‌ها با اهداف انسانی و عدالت خواهانه کار دشواری نخواهد بود. سیره نویسان و تاریخ نگاران مسلمان و غیر مسلمان اذعان دارند که پیامبرگرمی اسلام با تلاشی مستمر در تبلیغ اسلام، کوشید تا مبانی فکری و اخلاقی تعاون را بین مسلمانان پدید آورد و در این راه که با توفیق چشمگیری همراه بود، از روش‌هایی چون دعوت مردم به یکتا پرستی و ایجاد اخوت ایمانی و دینی بین آن‌ها (انما المؤمنون اخوه، حجرات (۴۹): ۱۰) که همه مسلمانان را چون پیکر واحدی قلمداد می‌کرد که خوشی و ناخوشی هر فرد بیانگر خوشی و ناخوشی دیگران بود و بالعکس، دعوت به تقوا و نیکوکاری (تعاونوا علی البرّ و التّقوی)، امر به رعایت عدالت (اعدلوا هو اقرب للتّقوی) و اجرای برخی راهکارهای عملی در این زمینه مثل انعقاد پیمان برادری و مساعدت بین گروه‌های مهاجر و انصار و... استفاده کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که برنامه فرهنگی پیامبر در زمینه ایجاد بینش تعاون‌گرا بین مردم بسیار موفق بوده است. امروز نیز از اهم امور این است که دولت و همه نهادهای مسؤول نظام و همه آحاد مردم که اهمیّت مسأله تعاون را درک می‌کنند، با ایجاد و گسترش این روحیه، سرمایه اجتماعی مورد نیاز در این زمینه را پدید آورند و این امری دست یافتنی است (توتونچیان، ش ۱۳۷).

ب. جنبه‌های اقتصادی و حقوقی تعاونی‌ها

شرکت تعاونی، سازمان، مؤسسه یا شرکته متشکل از افراد داوطلبی است که دارای نیازهای مشترک و اهداف اقتصادی معین بوده، تأمین نیازهای خود را از طریق تعاونی آسان‌تر می‌دانند و سهم و حقوق هر یک از اعضا در شرکت و در اداره آن مساوی است. تعریف پیشین با استفاده از تعاریف ارائه شده به وسیله ژرژفوک (George Fouget)، پل روی (P. Roy)، کامپبل (W. Compbell) و فرانس هلم (Franse Helm) و دیگران از تعاونی، بیان شده است (طالب، ۱۳۷۶: ص ۷-۹).

با استفاده از این تعریف می‌توان اوصاف ویژه‌ای را برای تعاونی‌ها به شرح ذیل برشمرد:

۱. تعاونی‌ها غیر انتفاعی هستند. غیر انتفاعی بودن تعاونی‌ها به معنای این نیست که فعالیت اقتصادی در این شرکت‌ها سودی ندارد و مؤسسه، مؤسسه خیریه است؛ بلکه به معنای آن است که

مدیران و کارکنان شرکت، آن گونه که در شرکت‌های تجاری مرسوم است، سهمی از کل درآمد به صورت سودی که نصیب کارفرما می‌شود نمی‌برند؛ زیرا اعضای تعاونی‌ها همه خود کارفرما نیز هستند؛ بنابراین این سود حاصل شده، قسمتی ذخیره، و بقیه بین اعضا تقسیم می‌شود.

۲. در شرکت سهامی تجاری، تعداد سهامی که فرد می‌تواند داشته باشد، نامحدود است و سهامداران به ازای هر سهم دارای یک رأی در مجمع عمومی هستند؛ در حالی که در شرکت‌های تعاونی، موضوع «هر عضو فقط یک رأی» یک اصل مسلم و بیانگر ماهیت تعاونی است.

۳. در شرکت‌های سهامی تجاری، هر عضو بر اساس سهمی که از سرمایه شرکت دارد، در سود شرکت سهم می‌شود؛ پس هر که سهم بیش‌تری دارد، سود بیش‌تری نصیب او می‌شود؛ در حالی که در شرکت‌های تعاونی سود محدود است و بر اساس ضوابط خاص تعیین شده و پذیرفته شده در اساسنامه، بین همه اعضا تقسیم می‌شود.

۴. سرمایه‌هایی را که اعضا به تعاونی می‌آورند، به خود آن‌ها تعلق دارد و حق مالکیتشان معتبر و پا برجاست؛ اما بعد از مخلوط شدن سرمایه‌ها، سرمایه کل، ملک مشاع همه اعضا می‌شود و هر گونه تصرف در اموال شرکت بدون اجازه همه شریکان جایز نیست.

۵. ماهیت تعاونی‌ها به گونه‌ای است که هر عضو شرکت هم کارفرماست و هم عضو است و بدین جهت بسیاری از نواقص شرکت‌های غیر تعاونی و آثار سوء حاکمیت بخش خصوصی را ندارد؛ از جمله در تعاونی مشکلی به نام تعارض منافع کارفرمایان و دیگران وجود ندارد و از جهت کلان نیز با وجود تعاونی‌ها، درآمد و ثروت به صورت عادلانه‌تری در جامعه توزیع خواهد شد. چون تعاونی‌ها امکان استفاده از منابع فراوانی را می‌یابند که هر یک از اعضا به تنهایی قادر به استفاده از آن‌ها نیست و چون سود حاصل از فعالیت نیز بین همه تقسیم می‌شود، به طور طبیعی توزیع درآمد نیز مناسب خواهد شد؛ پس نظام‌ها و دولت‌هایی که با علاقه بیش‌تری در صدد تحقق عدالت اجتماعی هستند، باید جدیت بیش‌تری در گسترش تعاونی‌ها داشته باشند.

۶. گسترش تعاونی‌ها افزون بر آثار پیش‌گفته، در صورت رعایت اصول تعاونی، ارزش‌هایی چون خودیاری، دیگریاری، مسئولیت‌پذیری، دموکراسی، برابری و اتحاد را در جامعه عینیت می‌بخشند.

۷. تقسیم سود و شرکت در سود و زیان در تعاونی‌ها بر اساس سهم فرد از سرمایه نیست؛ بلکه ساز و کار خاصی دارد. نخستین تعاونی‌ها یعنی «تعاونی راجدایل» بر اساس میزان خرید اعضا از

شرکت، سود حاصله را تقسیم می‌کردند. امروزه نیز غالب اندیشه‌وران همین روش را تأیید کرده‌اند.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای شرکت تعاونی ذکر شد، تعاون عبارت است از این که دو یا چند نفر سرمایه‌های خود را یک جا جمع می‌کنند تا با آن، تجارت یا کار تولیدی کنند. بر اساس نظریه غالب، همه اعضا بر اساس میزان فعالیت و معامله با شرکت، در سود و زیان شرکت سهیم می‌شوند.

ج. بررسی جنبه‌های فقهی تعاونی

۱. مستحده بودن موضوع تعاونی

یکی از جنبه‌های مهم مباحث فقهی در باره تعاونی، تبیین مستحده بودن یا نبودن تعاونی است.

برخی از محققان اقتصاد اسلامی تصریح دارند که نمی‌توان پیدایی تعاونی را از ویژگی‌های دنیای جدید و به طور عمده غرب دانست؛ بلکه با کمی دقت در می‌یابیم که دستورهای مربوط به مشارکت اقتصادی و تعاونی را ۱۴۰۰ سال پیش اسلام صادر کرده است (توتونچیان، ش ۱۳۷)؛ البته به نظر می‌رسد این بیان و نظریه با این کیفیت قابل پذیرش نباشد؛ زیرا:

صدور دستور مشارکت و تعاون اگر به معنای تبیین اصل کلی آن و ارشاد مردم به انجام آن باشد، سخن درستی است و ما نیز گفتیم که پیامبر بسیار کوشیدند تا این بینش را بین مردم جا اندازند و به مقدار فراوانی نیز موفق شدند. اما اگر مقصود تحقق عملی مشارکت و تعاون به معنای مصطلح باشد، از نظر ما در خصوص تعاون قابل اثبات نیست؛ زیرا چنان که در بحث حقوقی و ماهیت حقوقی مشارکت و تعاون به معنای امروزی ذکر کردیم، تفاوت محسوسی بین شرکت تجاری و تعاون از بعضی جهات وجود دارد که با توجه به این ویژگی‌های تعاون، ادعای تحقق آن در زمان پیامبر و یا امیرالمؤمنین قابل اثبات نیست؛ زیرا نوع همکاری‌هایی که بین مسلمانان یا حتی مسلمانان با کافران ذمی صورت می‌گرفت، در زمینه‌های گوناگون به طور معمول تولیدی و به روش‌های متنوع مشارکت (اعم از شرکت، مزارعه، مساقات، مضاربه و...) بود که هیچ یک مصداق تعاون به معنای مصطلح امروزی نبوده است؛ چنان که همکاری‌های نقل شده در زندگی ایرانیان باستان و پیش از اسلام نیز از مصادیق تعاون به معنای لغوی و اخلاقی است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که تعاون اگر چه از نظر ماهیت حقوقی نوعی مشارکت و به ویژه شرکت در

سرمایه است، از نظر نوع ساختار و نوع اجرا با هم متفاوتند.

۲. برخی جنبه‌های فقهی تعاونی

در این قسمت ابتدا تعریف فقیهان از شرکت را ذکر کرده؛ سپس با الهام از آن به بررسی برخی جنبه‌های فقهی تعاونی می‌پردازیم. شرکت در اصل و لغت به معنای اختصاص یافتن بیش از یک نفر به چیزی است؛ اما معنای عرفی و اصطلاحی آن دو چیز است: یکی همان معنای لغوی و اصلی یعنی اختصاص بیش از یک نفر به یک چیز، و دیگری به معنای عقدی که سبب ایجاد اختصاص می‌شود؛ بنابراین، به طور کلی شرکت دو قسم است: ۱. شرکت در ملک، و این شرکت به واسطه اسباب تملک چون خریدن و قبول هبه کردن، حاصل می‌شود.

۲. شرکت عقدی که به واسطه ایجاب و قبول بین شریکان پدید می‌آید (باز اللبانی، ۱۳۰۵: ص ۵۹۵).

امام خمینی نیز در کتاب *تحریر الوسیله*، انواع گوناگونی را برای شرکت تصویر کرده که یکی از آن‌ها شرکت پیمانی یا تجاری است. وی شرکت تجاری را این‌گونه تعریف کرده است: دو یا چند نفر هم پیمان شده و قرار داد امضا کنند که با سرمایه مشترک بین آن‌ها معامله و تجارت کنند و هر یک به نسبت شرکت در مال، در سود و زیان نیز شریک شوند (امام خمینی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۶۲۴). گفتنی است که غالب اندیشه‌وران و فقیهان در تعریف پیشین از شرکت، اتفاق نظر دارند.*

بر اساس تعاریف پیش گفته از شرکت معلوم شد که شرکت تجاری و شرکت تعاونی در موارد ذیل مشترک هستند: ۱. هر دو عقد شرکت هستند؛ ۲. هر دو در اموال متجانس هستند؛ ۳. شریکان در سود و زیان شریک هستند.

نکته‌ای که به نظر می‌رسد مورد اختلاف شرکت تجاری و شرکت تعاونی است، این است که تقریباً همه فقیهان امامیه در مورد شرکت گفته‌اند که تقسیم سود و زیان شرکت تجاری بین شریکان بر اساس سهم هر یک از مال مورد شراکت است؛ ولی در تعاون (تعاونی مصرف) غالب محققان و صاحب نظران معتقدند که باید تقسیم سود و زیان بر اساس میزان خرید اعضا از شرکت

* ر.ک: عبده بروجردی محمد، *کلیات حقوق اسلامی*، ص ۱۷۹ و شرح المجله، ص ۷۰۹ و مروراید، *سلسله التالیفات الفقهیه*، ج ۱۷، ص ۴۶ به نقل از مرحوم علامه در *قواعد الاحکام*.

باشد (طالب، ۱۳۷۶: ص ۲۳۴)؛ یعنی در تعاونی‌های مصرف، هر عضوی به نسبت خریدی که از شرکت تعاونی داشته است، در سود و زیان آن شریک می‌شود و گویند تقسیم بر مبنای سهم از سرمایه سبب حاکمیت سرمایه می‌شود؛* یعنی همان چیزی که در شرکت‌های تجاری و فعالیت‌های بخش خصوصی وجود دارد و اصلاً فلسفه تشکیل تعاونی‌ها گریز از همین مشکل حاکمیت سرمایه و ارزش‌های سرمایه‌داری بر جامعه بوده است؛ بنابراین این آن‌چه فقیهان در شرکت تجاری شرط دانسته‌اند، یعنی تقسیم سود و زیان بر مبنای سهم هر یک از شریکان از مال مشترک، اگر سهم همه شرکاء مساوی باشد، تقسیم سود و زیان بالسویه خواهد بود و اگر سهم شریکان متفاوت باشد، تقسیم سود و زیان نیز متفاوت می‌شود؛ در حالی که در تعاون در تقسیم سود و زیان مبنای مذکور یعنی سهم هر یک از اعضاء از سرمایه اغلب رعایت نمی‌شود، و رعایت مبنای دیگر ممکن است باعث شود که با وجود مساوی بودن سهم اعضا از سرمایه مشترک، سهم‌های متفاوتی از سود یا زیان را بپذیرند؛ پس یا باید قائل به عدم جواز فعالیت شرکت تعاونی شده؛ زیرا اصل مورد توافق فقیهان در مورد شرکت تجاری در شرکت تعاونی رعایت نمی‌شود یا این‌که باید راه حلی برای آن یافت.

سوالی که این‌جا طرح می‌شود، این است که آیا می‌توان به صورت شرط ضمن عقد، به این‌که به توافق همه شریکان شرط شود که تقسیم سود و زیان بر مبنای میزان خرید اعضا از شرکت تعاونی باشد، مشکل را حل کرد. در پاسخ می‌گوییم: در شرکت تجاری که فقیهان مطرح کرده‌اند در مورد این‌که آیا با وجود تساوی سرمایه‌ها می‌توان شرط تفاضل در سود و زیان نمود و بر عکس، دو نظریه وجود دارد:

۱. عده‌ای از فقیهان تقسیم سود و زیان بر مبنای سهم از سرمایه را مقتضای عقد شرکت می‌دانند (مروارید، ۱۴۱۰: ص ۳۰) در این صورت اگر شریکان ضمن عقد شرط کنند که تقسیم سود و زیان بر مبنای میزان خرید هر یک از اعضا از تعاونی باشد، چون این شرط با مقتضای عقد مخالف است، شرط باطل و غیر لازم الاجرا است.

سود و زیان به نسبت سهم هر یک از مال مشترک است و تصرف متوقف است بر اذن شرکا؛ پس

* البته در جبهه مخالف، در نظام سوسیالیستی چون اعضاء تعاونی‌ها مجبورند که سرمایه‌های مساوی داشته باشند، لذا توزیع سود بر مبنای خرید را عادلانه ندانسته و آن را بر مبنای سرمایه‌ها و بصورت مساوی تقسیم می‌کند (طالب، ۱۳۷۶: ص ۲۳۴).

اگر شرکا شرط کردند اختلاف در سود را در صورت تساوی همه در مال مشترک و یا بالعکس، شرط مذکور صحیح نیست.... (مروراید، ۱۴۱۰: ج ۱۷، ص ۴۳)؛

با وجود این همه کسانی که قائل به عدم جواز شرط مذکور شده‌اند، تقسیم سود را بین شریکان و به نسبت‌های غیر از نسبت سهم آن‌ها از سرمایه جایز و صحیح می‌دانند و تصرف در اضافی سود را در صورت تحقق جایز دانسته‌اند متها از باب تراضی و توافق همه شریکان و از باب اباحه نه از باب اقتضای عقد و شرط ضمن عقد.

ابن ادریس در سرائر می‌گوید:

و صحیح می‌باشد همه امور ذکر شده [= اختلاف در سرمایه‌ها و تساوی در سود و بالعکس و....] از باب تراضی شرکا، نه از باب التزام به شرط، و نیز مصرف مقدار سود اضافی که ممکن است نصیب فرد شود، حلال است از باب این‌که سایر شرکا آن را مباح کرده‌اند، نه از باب التزام به شرط و نه به مقتضای عقد شرکت.... (مروراید، همان: ص ۳۱).

بر این اساس در شرکت تعاونی نیز اگر چه شرط تقسیم سود و زیان بر مبنای غیر از سهم سرمایه‌ها جایز نیست، و در صورت وقوع شرط، لازم الاجرا نیست، در صورتی که تراضی همه شریکان حاصل شود، یعنی حین عقد، همه آن‌ها به اختلاف سودها در مقایسه با سهم سرمایه‌ها رضایت بدهند، پرداخت سودهای متفاوت جایز است و دریافت کننده نیز می‌تواند در همه سود دریافتی تصرف کند؛ اگر چه سود او بیش از سهم سرمایه‌اش باشد.

۲. علاوه‌ای دیگر از فقیهان نیز تقسیم سود بر مبنای سهم از سرمایه را مقتضای عقد شرکت ندانسته و شرط تقسیم سود و زیان بر مبنای غیر از سهم شریکان از سرمایه را در ضمن عقد جایز می‌دانند. مرحوم علامه در قواعد الأحكام در این خصوص می‌گوید:

تقسیم سود و زیان بر مبنای سرمایه‌ها است؛ لکن اگر شرط کردند تفاوت در سود و زیان را با فرض تساوی در سرمایه‌ها [= مبنای سهم از سرمایه‌ها رعایت نشود]، جواز چنین شرطی اقرب به حقیقت و صواب است، به شرط این‌که هر دو شریک در شرکت کار یدی نیز انجام دهند یا این‌که نه یکی از آن‌ها کار یدی انجام دهد ولو این‌که شرط سود و زیادی برای او نباشد (مروراید، همان: ص ۴۷).

در این صورت در شرکت تعاونی نیز مشکلی نخواهیم داشت؛ یعنی می‌توان ضمن عقد شرط کرد که سود حاصل از فعالیت تعاونی را بر اساس میزان خرید هر یک از اعضا از تعاونی تقسیم کرد و شرط مذکور صحیح و نافذ است. در مجموع نتیجه این شد که این ویژگی شرکت‌های

تعاونی مانع فعالیت آن‌ها نیست؛ اما اگر کسی نظریه تقسیم سود و زیان بر مبنای سهم از سرمایه را در شرکت‌های تعاونی نیز بپذیرد، در این صورت، چگونگی تقسیم سود و زیان به مقتضای عقد بوده، به شرط ضمن عقد نیازی ندارد؛ اگر چه در این صورت، شرکت از ماهیت تعاونی و اصول تعاونی دور خواهد شد. آنچه ذکر شد، در مورد شرکت‌های تعاونی مصرف است؛ اما بحث در باره تعاونی‌های تولید را به علت گستردگی و متفاوت بودن بحث به مجال دیگری وامی‌گذاریم.

همان‌گونه که پیش‌تر هم ذکر کردیم، در تعاونی‌های مصرف، هدف اصلی این است که کالاها و خدمات مورد نیاز اعضا را به قیمت مناسب به دست آن‌ها برساند (طالب، همان: ص ۲۳۵). اگر چه این قیمت مناسب در عمل نمی‌تواند قیمت تمام شده باشد، با سود کم‌تر امکان پذیر است؛ بنابراین، افزایش رفاه اعضا و حتی غیر اعضا، هدف نهایی تعاونی‌های مصرف است؛ بدین جهت، شاید بهترین روش در مصرف سودهای احتمالی شرکت تعاونی این است که به جای تقسیم آن‌ها بین اعضا، با تصمیم مجمع عمومی و نظارت هیأت مدیره در جهت تاسیس مراکز عام المنفعه بهداشتی، آموزشی و... مورد استفاده قرار گیرد. این مراکز افزون بر اعضا می‌تواند مورد استفاده عموم مردم نیز قرار گیرد و این امر رفاه بخش عظیمی از مردم را افزایش می‌دهد و با اهداف عالی تعاونی‌ها هماهنگی بیش‌تری دارد. ضمن این‌که گرفتار برخی شبهات فقهی نیز نخواهد شد.

هر عضو فقط یک رأی

اتحادیه بین‌المللی تعاون در بیست و دومین کنگره خود در سال ۱۹۶۳ در گزارشی می‌نویسد: منظور اصلی و مهم یک مؤسسه تعاونی، ارتقا و بهبود منافع و مصالح اعضای خود است. یک مؤسسه تعاونی بر خلاف یک شرکت تجاری، سازمانی است که وضع افراد در آن، برابر، و تمام آن‌ها دارای مزایای مساوی در اتخاذ تصمیم نسبت به سیاست عمومی تعاونی می‌باشند. این اصل هم جز با دادن حق یک رأی به هر عضو و فقط یک رأی تأمین نمی‌شود... (طالب، همان: ص ۱۶۰). در بررسی این اصل از منظر فقهی، به نظر می‌رسد که اشکال فقهی خاصی بر آن وارد نباشد؛ بلکه بر عکس، مباحثی که فقیهان در باب اذن در تصرف در سرمایه و اموال شرکت تجاری مطرح کرده‌اند، مؤید آن است.

مرحوم علامه در قواعد الأحکام و در بحث احکام شرکت می‌گوید:

هیچ یک از شرکا مجاز به تصرف در مال مشترک نیستند، مگر این‌که شریک و صاحب [و شرکای] او، به او اجازه تصرف بدهند... میزان تصرف و نوع آن محدود به همان است که در اذن تعیین شده؛ پس اگر به او اجازه سفر داده شده، به جهت خاص و یا اجازه بیع خاص و یا خریدن

کالای خاصی داده شده، تجاوز از این حد مجاز، جایز نیست...» (مروارید، همان: ص ۴۷)؛ چنان‌که امام خمینی نیز در *تحریر الوسیله* همین مطلب را بیان فرموده است (امام خمینی، همان: ص ۶۲۶). از دو بیان پیشین استفاده می‌شود که در شرکت‌های تعاونی نیز اعضای تعاونی می‌توانند در جلسه مجمع عمومی، فرد یا افرادی را برگزیده، جهت اداره امور شرکت تعاونی، به او تصرف در سرمایه مشترک تعاونی را اجازه بدهند. موارد اجازه داده شده باید تعیین شود و اگر مقصود، مطلق تصرف به نفع تعاونی باشد می‌تواند بدون ذکر موارد خاص و به طور مطلق به او اجازه تصرف در سرمایه را بدهند. نکته دیگر این‌که اذن در تصرف منوط به میزان سرمایه فرد و تعداد سهام او نیست؛ یعنی سرمایه فرد هر مقداری باشد با یک رأی (اذن) فردی یا افرادی را اجازه تصرف می‌دهد؛ بنابر این در مجمع عمومی رأی‌گیری می‌شود (به نحو هر عضوی یک رأی) و فرد یا افرادی که بیش‌ترین رأی را آوردند، بعد از تأیید مجمع و امضای همه اعضا به مدیریت و اداره شرکت تعاونی انتخاب می‌شوند.

نتایج

از مجموع مطالب این گفتار می‌توان به نکات ذیل به صورت نتیجه اشاره کرد:

۱. اهمیت بخش تعاون و تأثیر آن در توسعه و تحول اقتصادی در جهان، روز به روز در حال افزایش است؛ چنان‌که از نظر کمی نیز پیشرفت چشمگیری داشته است و دارد. علت این امر نیز آن است که بخش تعاون توانمندی و امکان و استعداد تبدیل شدن به یک بخش مسلط و غالب در اقتصاد را به صورت راه سوم و بینابین که آثار سوء دو راه دیگر را یا اصلاً ندارد یا بسیار کم دارد، دارا است.

۲. در اسلام نیز از دو جهت، روش تعاونی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است:

أ. مبانی اخلاقی و اعتقادی رویکرد تعاون در اسلام مورد تأکید و تبلیغ قرار گرفته است؛ به طوری که می‌توان رویکرد تعاون را یکی از پایه‌های اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام نامید.
ب. از نظر فقهی نیز مجوز فعالیت تعاونی‌ها (به ویژه تعاونی مصرف چنان‌که در این مقاله اشاره شد) داده شده است.

۳. بخش تعاون در قوانین موضوعه نظام جمهوری اسلامی، به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه بلندی دارد. در قانون اساسی و در اصول ۴۳ و ۴۴ تعاونی به صورت بخش اصلی در اقتصاد، کنار بخش دولتی و خصوصی مطرح شده و از آن به صورت یکی از مهم‌ترین

راهکارهای رشد اقتصادی و تأمین کننده عدالت اجتماعی یاد شده است.

۴. عملکرد بخش تعاون در اقتصاد جمهوری اسلامی نیز امیدوار کننده است؛ زیرا:

ا. چنانکه گذشت، بهره وری سرمایه در این بخش به مراتب بیش تر از بهره وری سرمایه در اقتصاد ملی است.

ب. گزارش‌ها نشان می‌دهد که بخش تعاون، ۲۰ درصد سهم صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص داده است.

ت. استقبال گسترده مردم و رشد کمی تعاونی‌ها در دو دهه اخیر ایران قابل توجه بوده است.

ث. سهم بخش تعاون از محصول ناخالص ملی (GNP) حدود ۵ درصد است.

مجموع این عملکرد نشان می‌دهد که اگر چه سهم بخش تعاون از (GNP) اندک است، امکان استعداد و ظرفیت لازم برای افزایش این سهم و رساندن آن به سطح معقول و مورد نیاز، در بخش تعاون وجود دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پیش گفته و به منظور افزایش کارایی بخش تعاون در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. تلاش دو چندان مسئولان به ویژه وزیر مربوط در هیأت دولت را می‌طلبد که به منظور اجرای کامل اصول مربوطه قانون اساسی، در زمینه‌های گوناگون آموزشی، فرهنگی و حمایت قانونی، برنامه ریزی و سیاستگذاری کنند. این امر تعاونی‌ها را فعال‌تر و احیا خواهد کرد.

۲. با تصمیم هیأت مدیره و موافقت مجمع عمومی، سوده‌های به دست آمده از فعالیت تعاونی‌ها در امور عام المنفعه مصرف شود. این امر با اهداف عالی تعاونی‌ها و نهضت تعاونی سازگار است و کارایی اجتماعی آن را افزایش می‌دهد.

۳. به منظور تأمین مالی آسان‌تر تعاونی‌ها می‌توان تعاونی‌ها و مؤسسات اعتباری را در جنب تعاونی‌های مصرف یا تولید تأسیس کرد. سرمایه این مؤسسات را می‌توان از سوده‌های اولیه تعاونی‌ها تأمین کرد یا از کمک‌های دولتی بهره جست.

۴. کلیه شرکت‌های تعاونی تولید، توزیع، مسکن، اعتبار و... و در رشته‌های گوناگون، تحت پوشش و نظارت وزارت تعاون درآیند. مشکلات حرفه‌ای تعاونی‌ها را نیز با تأسیس کمیته‌ها یا معاونت‌های تخصصی و حرفه‌ای در وزارت می‌توان برطرف ساخت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
 ۲. ابراهیم‌زاده، علی، مجموعه سؤالات چهارگزینه‌ای از قانون و مقررات بخش تعاون به ضمیمه قانون بخش تعاون، چاپ بهرام، ۱۳۷۷ ش.
 ۳. امام خمینی روح الله، تحریر الوسیله «الشركة»، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱.
 ۴. بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۵۷، ۱۳۷۹ ش.
 ۵. بیدآبادی، مجله تازه‌های اقتصاد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ش ۸۷.
 ۶. توتونچیان ایرج، «تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن»، تعاون ش ۱۳۷، ۱۳۸۱ ش.
 ۷. سبحانی، حسن، «آیا تعاون دارای نظام اقتصادی است؟» مجله تعاون، ش ۵۴.
 ۸. سلیم رستم، باز اللبثانی، شرح المجله، داراحیاء التراث الدبی، ۱۳۰۵ ق.
 ۹. طالب، مهدی، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۰. طالقانی سید محمود، اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب، دوم، ۱۳۷۳ ش.
 ۱۱. عبده بروجردی محمد، کلیات حقوق اسلامی، دانشگاه تهران دانشکده علوم منقول و معقول، ۱۳۳۵ ش.
 ۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجد، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۳. قنبری محمود و ابراهیم‌زاده علی و قاسمی بهروز، نهضت تعاون در ایران، انتشارات پایگان، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۴. کاسلمان (Casselman. P. H)، نهضت تعاونی و پاره‌ای از مسائل آن، سازمان مرکزی تعاون، ۱۳۴۸ ش.
 ۱۵. مجتهد داوود، «تعاون در ایران»، تعاون ش ۱۱۹، ص ۴۰، ۱۳۸۰ ش.
- مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقہیة «الشركة»، ج ۱۷، الدارالاسلامیة، ۱۴۱۰ ق.